

همه چیز فدای پست و میز ریاست

نمی دانم از کجا شروع بکنم و در ارتباط با ورزش استان ، هیات های ورزشی و عملکرد آنها چه بگویم و چه بنویسم. اگر بخواهیم حرف درستی بزنیم و واقعیت ها را همانطوری که هست بیان کنیم و اگر به وظیفه و رسالت خود عمل کرده و موارد حاشیه ای را در انجام وظیفه خود دخالت ندهیم باید خود را آماده حمله مقام پرستان و دنیا پرستان بکنیم. آماده حمله کسانی که نمی خواهند واقعیت ها را مشاهده بکنند و بر این معتقد هستند که راه و رسم و گفتار و اندیشه و فکر آنها درست بوده و کسی نباید در مقابل حرف آنها ایستادگی بکند و جز ”شما درست می فرمایید“ حرف دیگری بر زبان ها جاری نماید.

اما اگر بخواهیم اصول حرفه ای و اخلاقی را زیر پا بگذاریم و قبل از هر چیز و هر موردی به فکر جیب و جایگاهمان باشیم و بر اساس حفظ منافع حرف زده و قلم را بر روی کاغذ بچرخانیم سرورانمان با نهایت رضایت هندوانه های مختلف زیر بغلمان می گذارند و به هر طریق و روشی مدح ما را می گویند. آنها دوست دارند که همیشه ”بله قربان باشیم“ و کاری به این که چه بر سر ورزش و رشته های مختلف آن می آید نداشته باشیم. از بیت المال و ضرورت دقت و توجه در نگهداری آن حرفی به میان نیاوریم و راه و روشی جز راه شیرین زبانی و سخن گویی برای خوش آمد سرورانمان انتخاب نماییم.

آنهايي که نمی خواهند نقاط ضعف خود را پذیرا باشند و بر اعمال خودسرانه و سبک خود تجدید نظر کنند و از ورزش وسیله ای برای بزرگ شدن استفاده نکنند باید بدانند و با تمام وجود احساس بکنند که این دنیا را حساب و کتابی است ، روزی که ”روز روزهاست“ باید در باره اعمال گفتار و نوشته هایمان پاسخگو باشیم. در آن روز باند بازی، شیرین زبانی، مجیز گویی و رنگ عوض کردن های مکرر و متوالی محلی از اعراب نخواهد داشت و اگر به آن روز و به حساب و کتابی که باید پس بدهیم معتقد باشیم پس نمی توانیم فریاد بزنیم که ”هرچه آن خسرو کند، شیرین بود“.

آیا پذیرفتنی است آقایانی که به هر دلیل و علتی در ورزش آفتابی شده و گوشه ای از مسؤولیت در آن و هیات های ورزشی را به دست آورده اند برای کارهای غیرمنطقی و به دور از هر گونه عرف بر این مبنا که مسؤولم و توجیه کنند و یا به عبارتی بر ”طبل صلاح مملکت خویش خسروان بدانند“ بکوبند و هر مخالف با نظر و رای خود را مخالف با ورزش و خائن به آن معرفی کرده و دامن خود را از هرگونه

آلودگی پاک و آزاد تلقی نمایند.

و اما در این میان وای بر کسانی که در پیچ و خم منفعت طلبی سرگردانند و در دام نفس گرفتار شده اند. این قبیل افراد هم اگر منافعشان تامین نشود و بالا دستی ها به هر دلیل و علتی هوای آنها را نداشته باشند و سهم شان را ندهند آن وقت زمین را به آسمان بدوزند و نقش منتقدان دلسوخته و خیرخواهان سینه چاک را بازی کنند و آنقدر بد بنویسند و بد بگویند و داد و هوار راه بیندازند آن ورش ناپیدا.

کسانی که بخواهند خود باشند و بر رسالت و عهدی که در ارتباط با قلم بسته اند پایبند باشند و بی دلیل و بی جهت به بلندگوی این و آن تبدیل نشوند و مدافعان پر و پا قرص آقایان لقب نگیرند و دم از حق بزنند، مسلم است که مورد حمله باج بگیران ، دست نشاندهان و خودفروختگان قرار می گیرند ولی باکی از این افراد خدانشناس و نان به نرخ روز خور نیست، حق همیشه پیروز شدنی است و آفتاب تا ابد در زیر ابرها پنهان نخواهد ماند.